
آثار طراحی رحیم کوهی

کمی برایم بنواز

اثر: رحیم کوهی



کوهی، رحیم

آثار طراحی رحیم کوهی: کمی برایم بنواز / اثر رحیم کوهی. -- تهران؛
کتاب آبان، ۱۳۸۵.

ISBN: 964-8913-20-x

فهرستویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. کوهی، رحیم. ۲. نقاشان ایرانی -- قرن ۱۴. ۳. نقاشیهای ایرانی
قرن ۱۴. ۴. طراحی با مداد. الف. عنوان: کمی برایم بنواز.
۷۵۹/۹۵۵ ND ۹۸۹/ک۸۵۴
۱۳۸۵

م۸۵-۴۰۸

کتابخانه ملی ایران



انتشارات کتاب آبان

آثار طراحی رحیم کوهی

کمی برایم بنواز

اثر: رحیم کوهی

حروفچینی و صفحه آرایی: س.خانزاد

ناظر امور هنری: لیلا ایرملوزاده

نظارت چاپ: کاوه علینقی؛ چاپ: ایبانه

صحافی: معراج؛ نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

شابک: x-۲۰-۸۹۱۳-۹۶۴-ISBN: 964-8913-20-x

Website: www.abanbook.com

Email: manager@abanbook.com

خیابان انقلاب-خیابان فخررازی-کوی داریان-مجتمع ناشران-واحد ۱۰

تلفن: ۶۶۹۵۵۰۱۲ (خط ۶) فاکس: ۶۶۲۰۱۶۴۳

شروع کادر عمودی:

شروع کادر افقی:

۱- مقام	۷	۲۵- و زندگی	۳۱
۲- سیاست	۸	۲۶- و من	۳۲
۳- سایه سنگ	۹	۲۷- پنجره	۳۳
۴- در خانه	۱۰	۲۸- در اندیشه	۳۴
۵- تولد	۱۱	۲۹- مرد ماهی گیر	۳۵
۶- چرا؟	۱۲	۳۰- سراب	۳۶
۷- دیوار	۱۳	۳۱- این دیگه چیه؟	۳۷
۸- بدون عنوان	۱۴	۳۲- دایره	۳۸
۹- صلح سرخ	۱۵	۳۳- نان	۳۹
۱۰- آدم برفی	۱۶	۳۴- وقت رفتن	۴۰
۱۱- و مرگ	۱۷	۳۵- زلزله	۴۱
۱۲- پیرزن همسایه	۱۸	۳۶- کمک	۴۲
۱۳- چرا باران نمی بارد؟	۱۹	۳۷- بدون عنوان	۴۳
۱۴- قایق کاغذی	۲۰	۳۸- عشق و...	۴۴
۲۵- چهره رضا	۲۱	۳۹- پایان سخت آغاز	۴۵
۱۶- چهره	۲۲	۴۰- قربانی	۴۶
۱۷- چهره	۲۳	۴۱- آفتاب مهتاب	۴۷
۱۸- چهره	۲۴	۴۲- مهر	۴۸
۱۹- اتود پسرک زیر نهر تراب	۲۵	۴۳- کمی برایم بنواز	۴۹
۲۰- گلزار	۲۶	۴۴- استپ	۵۰
۲۱- چهره	۲۷	۴۵- مربع	۵۱
۲۲- چهره فرناز	۲۸	۴۶- اوج محدود	۵۲
۲۳- تصویر مریم	۲۹	۴۷- گریز	۵۳
۲۴- پسرک کوهنورد	۳۰	۴۸- در کمین	۵۴
		۴۹- پیاده رو (پارس آباد مغان)	۵۵
		۵۰- کپی (از روی عکس جیمز نجوی)	۵۶
		۵۱- مزارع مغان	۵۷
		۵۲- سرمست (مزارع مغان)	۵۸
		۵۳- حاشیه رود ارس در یک روز برفی	۵۹
		۵۴- مرد چوپان	۶۰

تنهایی، تنها حقیقتی که همیشه با من است.

آنچه که مرا در تکاپوی زندگی می‌خواند، بر که خلوتی است که انسانی از آن ظهور کند.

انسانها می‌آیند و می‌روند، و حقیقتی که ورای آن اشیاء و موجودی که می‌بینیم. یک روز نقاب این و آن خواهد شد.

انسان معاصر تحت استعمار فرعونهای اقتصادی و قرارگرفتن در زیر چرخ دنده‌های فولادی عصر ماشین صدای خردشدنش به گوش می‌رسد و فقط پرچم استدلالی از آن بر گورستانهایش به چشم می‌خورد.

با ظهور تکنولوژی نوین، جوامع بشری نیز خود را با آن منطبق ساخته و جایگاهی جزء اسباب و ابزار برای آدمی باقی نمانده است و هویت اصلی انسانها که فراتر از مبادله کالایی است، زیر سؤال برده شده. نفس سرکش و طماع آدمی در هر دوره و عصری طغیانگر بوده و قربانیان این جنگ و ستیز جزء انسانهای بی‌گناه و معصوم چیز دیگری نبوده است. در عصر کنونی نیز با هیبتی پوشالی و ظاهری آراسته ظهور کرده و حقیقت درونی انسانها را به کام مرگ و نیستی می‌کشاند و محصولی جزء آدمهای توخالی و پوچ چیز دیگری را ارائه نمی‌دهد.

روزها می‌گذرد و من در پس و پیش زمان گم شده‌ام، گاه می‌گیرم برای آن چراهایی که هست، گاه مسرورم برای آن راههای که بر بوم نقاشیم خواهم آفرید. حقیقتهای تلخی که در دنیا و در کمین درون ماست روزی می‌میرند، و آنی دیگر می‌رویند. و زندگی گلزاری نیست که بتوان به این راحتی در آن قدم زد و رقصید. آرمانهایی چون خوشبختی و صلح واژه‌هایی هستند که با جهان واقعی مان بیگانه است، بنابراین باید تلاش کرد که از سختی‌ها بهره جست و از جنگ و ستیز، درس. سختیهای زندگی است که آدمی را می‌سازد و می‌آفریند، و شکوفایی و تکامل در بطن مصائب است که لذتی جاودانه دارد.

از شروع کارهای هنری در دوران نوجوانیم مشوقهای قابلی اطرافم نبودند، اما سختیها بیشتر مشوقم بودند. من هیچ استادی نداشتم ولی از اشیاء اطراف گرفته تا آدمها همه استادم بودند. فقط لازم بود عمیقاً همه چیز را با دقت کامل مطالعه کنم. دستانم شاگرد ماهر ذهنم بودند و درونم مملو از دنیای درهم ریخته و مبهمی که تشخیص نیک و بد آن نیاز به علوم برتری داشت که آنرا نیز باید از خود طبیعت اطراف بدست می آورد.

آثاری که پیش رو دارید زمانی متولد شده اند که حتی تهیه یک عدد مداد، جزئی از مشکلاتم بود. ولی همین اتفاقات کوچک هم حسیات مرا نسبت به موضوع سوژه هایم بیشتر تحریک می کرد و باعث می شد در کارهایم تأثیر مثبتی داشته باشد و با انگیزه بیشتری به کارم ادامه دهم. با اینکه می توانستم با بهره بردن از کار هنری در فرم بازار یا دایر کردن کلاس تدریس براحتی از پس مشکلات مادی دریابم، ولی دوست نداشتم به اصالت کاریم ضربه بزنم و آن چیزهایی که به این سختی بدست آوردم به این راحتی از دست بدهم و از طرفی نمی خواستم کسی مرا بشناسد، چون دوست داشتم خیلی ساکت و آرام به کارهایم برسم، دور از تظاهر.

شبها بیشتر به طراحی مشغولم و روزها به خاطر اینکه از فشار روانی طرحهای بیرون بیایم، بعد از ظهرها به کارهای عکاسی می پردازم. هنر عکاسی نیز در خلق آثارم یکی از چاشنی های اساسی است. که لذت و سرعت کارهایم را دوچندان کرده و تأثیر بسزایی روی زاویه دیدم از اشیاء و طبیعت گذاشته است.

هر وقت برای عکاسی و قدم زدن در خلوتگاه خود به مناطق محروم همچون منطقه زیر نهر تراب یا جنگل حاشیه رود ارس که متأسفانه بدست کشاورزان سوزانده و تخریب شده اند، می روم. در حال و هوای خاصی قرار می گیرم؛ دوست دارم در میان خانه های مکعبی شکل با یک در و پنجره، حیاط کوچک با یک توالت، که ایده آل و استقلال آنهاست و میان این درختان افتاده و پای برجای که خشکانیده و سوزانده شده اند به تماشای اُپرای بزرگشان بایستم و به نوای موسیقی شان گوش فرا دهم و آواز بلند و شکننده خود را سر دهم. آنجا همه چیز نزدیک به واقعیهایی است که می خواهم دور از تعارف، من مجنون و دیوانه این گونه محیطها و تصاویرم، علاقه شدیدم به اینگونه صحنه ها که همیشه دنبال این نوع موضوعات می باشم مرا تا مرز جنون پیش می برند دوست دارم درون آنها غرق و محو شوم.

در میان کشمکش و کارها، همیشه یک دوست عزیز می بود که اکثر اوقات همدرد دلم بود و رفیق جاده بی انتهای تنهاییم. کسی که در بیشتر مواقع سختیها و مشکلات زندگیم مرا تنها نگذاشت و همیشه دست و مهر و کمکش به طرفم دراز بود و در رفاقتش ثابت قدم. حال جای دارد در همین جا از این دوست هنرمند عزیزم یعنی جناب آقای یوسف بالایی که مثل طرحهایم مرا درک می کند، تشکر و قدردانی کنم. امیدوارم که در آینده نزدیک این هنرمند خلاق و پرتلاش در جامعه ی هنری جزء توسعه دهندگان فرهنگ و هنر باشد. و به موفقیت های بزرگی در این عرصه دست یابد، با آرزوی موفقیت.

وقتی غروب کنار ارس را بر نقوش عریان درختان لمس می کردم

سرزمین عینیت را جز غروبی بیش نمی دیدم

در آن سوی پرده ها

خورشید بر سرزمین دیگری می تابید

بدور از چشمان من

از پس غروب نترسیم که خورشید همیشه می تابد

رحیم کوهی

پاییز ۸۴

Email: Rahim_koohi@Yahoo.com